

بررسی عقاید مذهبی دانشجویان دانشگاه آنتکارا

کیهان موتلو

مترجم: غلامرضا غفاری

چکیده

اکنون این موضوع مهم مورد بحث است که آیا کشور ترکیه علیرغم این که کشوری مسلمان است، به جامعه‌ی اروپا خواهد پیوست؟ این بررسی نشان می‌دهد که جامعه‌پذیری مذهبی^(۱)، البته نه به میزان ارزشهای دموکراتیک، در میان دانشجویان ترکیه (نمونه ۱۰۹۹ نفری) افزایش یافته است. البته با وجود افزایش جامعه‌پذیری مذهبی مقوله‌هایی چون تبعیض^(۲) و بنیادگرایی^(۳) مذهبی به‌طور گسترده‌ای مورد امتناع قرار گرفته‌اند. داده‌های این بررسی در سالهای ۱۹۷۸ (۵۳۶ نفر) و ۱۹۹۱ (۵۶۳ نفر) از گروه‌هایی در دانشگاه‌های آنتکارا شامل دانشجویان دانشکده مطالعات فنی، جمع‌آوری شده است.

مقدمه

در ادبیات جامعه‌شناسی اصولاً فرض می‌شود که ارزش‌های مذهبی^(۴) عامل تعیین‌کننده‌ی مهمی در نظام ارزشی جوامع هستند. از طرفی این فرض وجود دارد تفاوت‌هایی که بر مبنای عقاید مذهبی^(۵) در جوامع نهادی شده‌اند ممکن است تضادهای^(۶) خصمانه‌ای را موجب شوند. به‌گونه‌ای که از این تفاوت‌ها به عنوان منبعی برای به اصطلاح تبعیض، یاد می‌شود.

دانشمندان اجتماعی در تلاششان به منظور تعیین منابع تضادهای خصمانه، تبعیض مذهبی را در میان جوامع مورد شناسایی قرار می‌دهند. در این کوشش، آنها سایر منابع تضاد را که حاصل منافع مادی هستند، کنار می‌گذارند.

اکنون یکی از پرسش‌های مهمی که مطرح است این است که آیا ترکیه به عنوان یک کشور مسلمان خواهد توانست خود را در درون جامعه‌ی اروپایی ادغام کند یا خیر؟ به منظور روشن نمودن این پرسش، نیازمند بررسی شیوه‌ی تجارب عقاید اسلامی در ترکیه هستیم.

توافقی^(۱۱) است. این رویکرد معتقد است که قرآن از ارزش علم دفاع می‌کند. عقل و منطق عناصر اصلی وجود انسان هستند و باید بر شیوه‌ای که موجب پیشرفت نوع بشر می‌شود تاکید شود. محیط مادی باید کشف شود و برای پیشرفت بشر مورد بهره‌برداری قرار گیرد. قرآن هیچ آیه‌ای وجود ندارد که با علم مغایرت داشته باشد. (اکی جنس ۱۹۹۲، جانسون ۱۹۹۳، کوتلور ۱۹۹۲)

چهارمین بحث در ادبیات اسلامی رویکرد اصلاح‌گر^(۱۲) است. این رویکرد از این اصل دفاع می‌کند که بدون این که اسلام اصلاحات ریشه‌ای را تجربه کند، کشورهای مسلمان نمی‌توانند پیشرفت کنند. آنها معتقدند که مسیحیت این را در طی اصلاح دینی تجربه کرده که حاصل آن توسعه‌ی علم جدید بوده است. در نتیجه آنچه که در اسلام نیاز است تجربه نمودن اصلاحات است. با این وجود آنها مشخص نکرده‌اند که چه نوع اصلاحات و تغییراتی در اعتقادات اسلامی برای توسعه‌ی کشورهای مسلمان ضرورت دارد.

از طرف دیگر رویکرد معرفت‌شناختی^(۱۳) اساساً بر ارتباط بین علم جدید و نظام‌های ارزشی غربی تاکید دارد. (اکی جنس ۱۹۹۲) روشن است که علم به خودی خود نمی‌تواند به وجود آورنده ارزش‌ها باشد بل که علم می‌تواند از طریق ارزش‌ها توسعه یابد. رویکرد معرفت‌شناختی معتقد است که علم جدید حاصل و نتیجه‌ی ارزش‌های غربی است. ارزش‌هایی که به طور عمده به گونه‌ای جهت‌گیری شده است که این جوامع از منافع مادی رهایی یابند. به عنوان یک نتیجه، علم جدید نمی‌تواند ادعای رهایی انسان را داشته باشد. (ناصر ۱۹۸۷، ۱۹۹۳، فروغی ۱۹۹۰، سردار ۱۹۹۰) مدافعین رویکرد معرفت‌شناختی تلاش می‌کنند که به اصطلاح یک علم اسلامی بسازند، به عنوان شیوه‌ی جایگزینی که تبیین‌کننده‌ی و کنترل‌کننده پدیده‌های طبیعی است.

آنها معتقدند که علم اسلامی باید بر مبنای

در خصوص تفسیر اسلام بحث‌های متعددی مطرح شده‌اند، رویکرد واکنش^(۷) معتقد است که تضادی ذاتی بین علم و مذهب وجود دارد و علم را اصالتاً بد می‌داند و معتقد است که علم جدید از طریق منافع مادی‌گرایانه^(۸) هدایت شده است. در نتیجه مسلمانان باید به عناصر و شعائر اصلی اسلام توجه کنند و از شیوه‌ی زندگی جدید به گونه‌ای که در بسیاری از کشورهای اروپایی وجود دارد امتناع ورزند. (هودبوی ۱۹۹۱)

از طرف دیگر رویکرد سکولاریست^(۹) این ایده را می‌پذیرد که بین علم و مذهب تضاد ذاتی وجود ندارد. علم فقط شیوه‌ای برای پیشرفت انسان است. در حالی که مذهب ارزش‌های اخلاقی را به مردم ارائه می‌دهد. در نتیجه مذهب و دولت باید از یکدیگر تفکیک شوند و شیوه‌ی زندگی جدید به گونه‌ای که در بیشتر کشورهای اروپایی دیده می‌شود باید در قالب واقعیتی اجتماعی در ترکیه وارد شود. ایده‌های آتاتورک Ataturk اندیشه‌ای است که بنیادگرایی را رد می‌کند و کوششی برای نهادمند ساختن اندیشه‌های علمی در نظام ارزشی^(۱۰) ترکیه است.

سومین بحث در ادبیات اسلامی رویکرد

وحدت خدا و انسان ساخته شود. مالکیت بشر نباید از طریق ارزش‌های خودمداری و مادی‌گرایانه اظهار شود. خلاصه این‌که آنها معتقدند که شناخت اخلاقی باید از طریق اصول اصلی قرآن کنترل شوند. علم اسلامی باید جایگزین علم جدید شود. به یک معنی ارزش‌های اصلی علم باید توسط خدای واحد معین می‌شدند، در غیر این صورت معرفت بشری نمی‌تواند استقرار پیدا کند.

جامعه‌پذیری مذهبی

با توجه به بحث‌های اشاره شده در بالا آنچه که نیاز به بررسی دارد این است که عمدتاً چه نوع عقاید اسلامی را نخبگان آینده ترکیه درونی ساخته‌اند؟ بنابراین مطالعه‌ی جامعه‌پذیری مذهبی دانش‌جویان اهمیت دارد. این مطالعه شامل دانش‌جویان دانشکده‌ی فنی آنکارا است که از طریق جمع‌آوری اطلاعات و مقایسه‌ی آنها در سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۹۱ به دست آمده است. هر دو مجموعه‌ی اطلاعات از یک گروه و با شیوه‌ی یک‌سان علی‌رغم این‌که گویه‌های آن دارای بار ارزشی هستند جمع‌آوری شده‌اند.

یافته‌های جدول شماره یک نشان می‌دهد که میانگین میزان موافقت با گویه‌های مطرح شده در جدول در سال ۱۹۷۸، ۵۲ درصد و در سال ۱۹۹۱، ۶۷ درصد بوده است. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد دانشجویان دانشگاه در سال ۱۹۹۱ به نسبت سال ۱۹۷۸ جهت‌گیری مذهبی بیشتری دارند. به خصوص این‌که دانشجویان اعتقاد به خدا، روز قیامت، وجود بهشت و جهنم، روز داوری و این‌که قرآن در بردارنده‌ی دستورات الهی است، را در سال ۱۹۹۱ نسبت به سال ۱۹۷۸ بیشتر پذیرفته‌اند. در نتیجه می‌توان اظهار داشت که جامعه‌پذیری مذهبی مطابق با عناصر اصلی اعتقادات اسلامی به‌طور گسترده‌ای در میان دانشجویان دانشگاه، به‌عبارتی نخبگان آینده آنکارا بیشتر شده است.

جهت‌گیری‌های دموکراتیک

با این دید خاص این سوال مهم مطرح است که آیا سطح تبعیض مذهبی یا بنیادگرایی که در میان دانشجویان که نسبت به سال ۱۹۷۸ مذهبی‌تر شده‌اند، یک سطح معنی‌دار بوده است یا خیر. به این دلیل گویه‌هایی که در جدول ارائه شده‌اند به نمونه‌ی ۱۹۹۱ داده شده است. قابل ملاحظه است که در نظر بیشتر

جدول شماره ۱: تعریف عملیاتی مقیاس عقیده‌ی مذهبی و درصد موافقین و مخالفین در سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۹۱

گویه‌ها	تعداد و درصد موافقین		تعداد و درصد مخالفین	
	۱۹۷۸	۱۹۹۱	۱۹۷۸	۱۹۹۱
اعتقاد به وجود خداوند	۲۸۸	۴۵۳	۲۳۱	۶۸
	%۵۴	%۸۱	%۴۳	%۱۲
اعتقاد به وجود روز قیامت	۳۴۲	۴۳۲	۱۷۰	۹۲
	%۶۴	%۷۷	%۳۲	%۱۶
اعتقاد به وجود بهشت و جهنم	۱۹۳	۴۲۳	۳۳۲	۱۰۶
	%۳۶	%۷۵	%۶۲	%۱۹
قرآن حامل فرمان خداوند است	۲۵۵	۴۳۴	۲۷۱	۸۷
	%۴۷	%۷۷	%۵۰	%۱۶
در زندگی روزانه هر نوع تصمیمی را مطابق با اصول بیان شده در قرآن می‌گیریم.	۲۱۱	۱۴۸	۳۲۳	۳۶۷
	%۳۹	%۲۶	%۶۰	%۱۶
در روز داوری از طرف خداوند به حساب همه رسیدگی خواهد شد.	۳۱۷	۳۹۵	۲۰۳	۱۲۱
	%۵۹	%۷۰	%۳۸	%۲۲
مذهب جستجوی حقیقت و زیبایی است	۳۴۳	۳۶۹	۱۷۹	۱۳۷
	%۶۴	%۶۶	%۳۳	%۴۲

جدول شماره ۲: تعریف عملیاتی ارزش‌های دموکراتیک و درصد موافقین و مخالفین (نمونه ۱۹۹۱)

مخالف	موافق		درصد	تعداد
	درصد	تعداد		
لازم نیست که زن روسری بپوشد تا بتواند خود را به عنوان مسلمان نشان دهد	%۶۱	۳۴۵	۲۰۳	%۳۶
به دانشجویان خانم دانشگاه باید اجازه داده شود که به عنوان بخشی از اعتقادات مذهبی‌شان روسری بپوشند.	%۶۲	۳۵۰	۲۰۶	%۳۶
فقط مسلمانان به بهشت خواهند رفت (گویه منفی)	%۳۸	۲۱۷	۳۰۸	%۵۵
ممکن است که یک شخص در زندگی روزمره خود علیرغم این‌که به خدا اعتقاد ندارد خوشبخت باشد	%۶۲	۳۵۰	۱۷۴	%۳۱
انسانهای خوب با وجود این‌که مذهبی هم نباشند به بهشت خواهند رفت	%۵۰	۲۸۲	۲۱۶	%۳۸
شما می‌توانید شخصی کاملاً درستکاری باشید مگر اینکه یک مسلمان خوبی باشید (گویه منفی)	%۴۱	۲۳۰	۳۱۹	%۵۷
به اقلیت‌های مذهبی (مسیحی‌ها) در ترکیه باید اجازه داده شود که آزادانه به عبارت بپردازند	%۸۱	۴۵۹	۹۲	%۱۶
برای این‌که کشور ترکیه توسعه یابد به علم بیشتر از مذهب باید اهمیت داد	%۵۹	۳۳۵	۱۷۸	%۳۱
تصمیم‌گیریهایی سیاسی باید مطابق با اصول اسلامی باشند (گویه منفی)	%۳۳	۱۸۹	۳۵۱	%۶۲
سکولاریسم باید در ترکیه ادامه پیدا کند	%۶۷	۳۷۶	۱۴۷	%۲۶
برخی از بخش‌های اسلام با توجه به نیازهای مردمی که در قرن بیستم زندگی می‌کنند باید مورد بازسناسی و نوسازی قرار گیرند.	%۵۷	۳۲۱	۱۹۲	%۳۴

پاسخگویان بین «اعتقاد به خدا» با «خوشبختی فردی» ارتباطی وجود ندارد. چون از مجموع دانشجویانی که در سال ۱۹۹۱ مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، ۶۲ درصد با این گویه که ممکن است شخص در زندگی خود بدون اعتقاد به خدا خوشبخت باشد، موافقت دارند و نیز ۸۱ درصد این پاسخگویان با این گویه که «خداوند واقعاً وجود دارد» موافق هستند. با گویه «لازم نیست که یک زن روسری بپوشد تا بتواند خود را به عنوان مسلمان نشان دهد» ۶۱ درصد (N=۳۴۵) موافقت و ۳۶ درصد (N=۲۰۳) مخالفت کرده‌اند. از سوی دیگر می‌بینیم که ۶۲ درصد پاسخگویان (N=۳۵۰) موافق و ۳۶ درصد آنها مخالف با گویه «دانشجویان خانم دانشگاه باید اجازه داشته باشند که به عنوان بخشی از اعتقادات مذهبی‌شان روسری بپوشند» بوده‌اند. همچنین ۵۵ درصد از پاسخگویان (N=۳۰۸) مخالف و ۳۸ درصد (N=۲۱۷) موافق با گویه «تنها مسلمانان به بهشت خواهند رفت» بوده و گویه «مردم خوب علیرغم این که مذهبی نیستند به بهشت خواهند رفت» از طرف ۵۰ درصد پاسخگویان (N=۲۸۲) پذیرفته شده و از طرف ۳۸ درصد پاسخگویان (N=۲۱۶) رد شده است و ۵۶۵ نفر نیز نظرشان را مطرح نکرده‌اند و با گویه «کسی نمی‌تواند شخص کاملاً درستکاری باشد مگر اینکه یک مسلمان خوبی باشد» ۴۱ درصد (۲۳۰ نفر) موافقت در حالی که ۵۷ درصد (۳۱۹ نفر) مخالف بوده‌اند. گویه «آزاد بودن اقلیت‌های مذهبی در ترکیه» از طرف ۸۱ درصد (۴۹۵ نفر) از پاسخگویان پذیرفته شده و فقط از طرف ۱۶ درصد (۹۲ نفر) مورد مخالفت قرار گرفته است. جالب این است که ۵۹ درصد از پاسخگویان با گویه «برای این که کشور ترکیه توسعه یابد باید به علم بیشتر از مذهب اهمیت دهد» موافق و ۳۱ درصد مخالف بوده‌اند و ۴۰ نفر از دانشجویان به این گویه هیچ پاسخی ندادند.

داده‌های ۱۹۹۱ نشان می‌دهد که ۶۲ درصد (۳۵۱ نفر) مخالف و ۳۳ درصد (۱۸۹ نفر) موافق با گویه «تصمیم‌گیری سیاسی باید مطابق با اصول اسلامی باشد» بوده‌اند. همچنین گویه «تداوم سکولاریسم در ترکیه» از طرف ۶۷ درصد پاسخگویان پذیرفته شده و ۲۶ درصد آن‌ها این گویه را رد کرده‌اند اگرچه ۴۰ نفر بیشتر به این گویه پاسخ ندادند. دانشجویان دانشگاه عمدتاً زندگی از طریق قوانین شرعی را که در برخی از کشورهای اسلامی وجود دارد را رد کرده‌اند. خلاصه این که مجموع داده‌هایی که در جدول ۲ ارائه شده‌اند نشان می‌دهد که در نمونه

مورد مطالعه سال ۱۹۹۱ به طور متوسط ۶۲ درصد پاسخگویان با گویه‌های مثبت موافق بوده‌اند و ۵۸ درصد مخالف گویه‌های منفی بوده‌اند. آنها عمدتاً عقاید اسلامی را که به شیوه جبرگرایانه بیان شده‌اند را رد نموده‌اند و با توجه به جامعه‌پذیری مذهبی عمدتاً آزادی وجدان فردی را پذیرفته‌اند.

از طرف دیگر آنها عمدتاً ارتباط معنی‌داری بین «مسلمان بودن» و «رفتن به بهشت» یا «شخص خوب بودن» و «مسلمان بودن» نمی‌بینند. البته آینده ترکیه وابسته به جوانانش است. در نتیجه فرض می‌کنم که جامعه‌پذیری مذهبی در ترکیه به احتمال زیاد به شیوه دموکراتیک محقق شده است و هیچ عنصری از تبعیض را نمی‌بینیم.

نتایج

با توجه به تفسیرهای مختلفی که از اسلام شده مقوله‌هایی چون: آیا شیوه جدید زندگی آن چنان‌که در اروپا دیده می‌شود با اسلام در چالش است؟ آیا مذهب و علم به طور ذاتی با یکدیگر تضاد دارند؟ آیا دولت و مذهب با شیوه سکولار باید از یکدیگر جدا شوند؟ آیا علم جهت‌یافته‌ی اسلامی باید جایگزین علم جدید شود؟ با این فرض که علم جدید عمدتاً از طریق منافع مادی کشورهای غربی برانگیخته شده در حالی که علم اسلامی ممکن است وحدت خداوند و نوع بشر را تثبیت کند. از طرف دیگر «گیب» Gibb (۱۹۶۹) «رحمان» Rahman (۱۹۷۹) فخری (۱۹۸۳) متذکر شده‌اند که غرب در موضوعات ریاسی و نظامی برتری دارد و از سوی دیگر جوامع مسلمان تحت عنوان به اصطلاح «معضل غربی» The western problem، یعنی واکنش‌های آنها نسبت به صنعتی شدن و مدرنیسم تفسیر شده‌اند.

نتیجه اینکه دو مسیر متفاوت وجود دارد: (۱) سکولاریزاسیون (دنیاگرایی) (۲) پافشاری بر آنچه که باید بازگشت به شکل اولیه اسلام باشد. در میان جوامع اسلامی ترکیه در مسیر کاملاً سکولاریزاسیون (دنیوی کردن) قرار گرفته که اسلام را به حوزه خصوصی - فردی تا حوزه سیاسی و اجتماعی کشانده‌اند. این مطالعه نشان می‌دهد که اعتقاد به عناصر اصلی و اساسی اسلام چون: اعتقاد به خدا روز رستاخیز، بهشت و جهنم، قرآن و روز داوری در مقابل دانشجویان دانشگاه افزایش یافته است.

از طرف دیگر نشان داده‌اند که ارتباط مستقیمی بین «اعتقاد به خدا» و «خوشبختی فرد» یا «مسلمان بودن و پوشیدن روسری» یا «مسلمان خوب بودن» و «شخص درستکار بودن» وجود ندارد. هم‌چنین به‌طور عمده آن‌ها این گویه را که «فقط مسلمانان به بهشت می‌روند» را رد می‌کنند. علاوه بر این آن‌ها عمدتاً می‌پذیرند که «انسان‌هایی که درستکار باشند علی‌رغم این که مذهبی نباشند نیز به بهشت خواهند رفت» و به اقلیت‌های مذهبی باید برای عبادت‌شان آزادی کامل را اعطا کرد. این یافته‌ها ما را به این بحث می‌کشاند که جامعه‌پذیری مذهبی آن‌ها عمدتاً با جهت‌گیری‌های انسان‌گرایانه و دموکراتیک که مغایر با بنیادگرایی و تبعیض هستند، ترکیب شده‌اند. هم‌چنین علم نسبت به مذهب به عنوان راهی برای پیشرفت ترکیه از اهمیت بیشتری برخوردار شده و دنیاگرایی نسبت به بنیادگرایی از مطلوبیت بیشتری برخوردار است، اگرچه چنین مقوله‌هایی استحقاق تحقیق بیشتری را دارند. حس می‌زنیم که انگارها و گمانه‌هایی چون: «ترکیه احتمالاً به سمت دنیاگرایی تا بنیادگرایی اسلامی حرکت می‌کند» بحث مفید و معتبری نیست. آن چنان‌که از طریق این بررسی تایید شده، جامعه‌پذیری مذهبی در قالب دنیاگرایی نهادی شده است و در ترکیه عمدتاً با شیوه‌ی دموکراتیک تداوم یافته. تبعیض مذهبی را در سطح معنی‌داری نمی‌بینیم، اگرچه اعتقاد به عناصر اصلی اسلام در میان دانشجویان دانشگاه بیشتر و گسترده‌تر شده است. در اینجا نیاز به اطلاعات بیشتر وجود ندارد، چنانکه در ۱۹۹۳، ۶۷ درصد دانشجویان دانشگاه با گویه‌ی «ادغام و وحدت ترکیه در جامعه‌ی اروپایی برای آن مفید است (موتلو ۱۹۹۴)» موافق بوده‌اند. در نتیجه من معتقدم که همه چیز برای پیوستن ترکیه به جامعه اروپایی مهیاست. □

- 1- Religious Socialization.
- 2- Discrimination.
- 3- Fundamentalism.
- 4- religious values.
- 5- religious biliefs.
- 6- conflict.
- 7- reqctionary appraqch.
- 8- Materialistic interests.
- 9- Secularist Approach.
- 10- Value System.
- 11- Conciliatory Approach.
- 12- Reformist Approach.
- 13- Epistemological Approach.